

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

صباراهی

۱۹ فبروری ۲۰۱۸

کی به کیه تاریکیه! در حاشیه سرقت مستر بهرام رحمانی

یکی از شب های انقلاب بود، چریکهای فدائی از طریق رادیو از مردم می خواستند که به سنگرهای که در محلات درست کرده بودند بروند و کمک کنند، پادگان نیرو هوایی را نیز تسخیر کرده بودند و حال و هوایی و شور و نشاط انقلابی بود که هر چه انرژی مصرف می کردی باز هم انبار انرژی بودی، مردم دسته دسته به طرف سنگرها روان بودند، همینطور که در کوچه باریک محله مان راه افتاده بودیم صدای زن و مردی از داخل یکی از خانه ها که درب منزلش باز بود می آمد زن می گفت : مرد با پیژامه کجا میری نصف شبی، بگیر بخواب، مرد در جواب به زن می گفت: کی به کیه تاریکیه، بذار برم شاید چند تا مسافر پانزده ریالی زدم. منو دوستم که یکی از همین وانت ها جانمان را در یکی از روزهای انقلاب از دست نیروهای سرکوبگر شاه جلاذ نجات داده بود و ما را پشت وانتش سوار کرده بود و پانزده ریال هم از ما گرفته بود پخی زدیم زیر خنده، دوستم که صدای رسائی داشت سرش را کرد توی خونه و گفت: خانم راست میگه شاید دو تا مسافر زد و باز هم خنده.

روز پیش سری به سایت ها می زدم نگاهم به مطلبی از مستر بهرام رحمانی افتاد که سایت گزارشگران هم یک سبد از رز قرمز در کنار مطلب اندر باب تیریک روز "والنتاین" قرار داده، البته از این بابت که ایشان در "ستایش" روز والنتاین بنویسد تعجب نکردم چون به فشار خون سیاسی ایشان کاملاً می خورد، اما چیزی که مرا وادار کرد که نوشته ایشان را سریع نگاه کنم تاریخچه ای بود که برای آن "تهیه" کرده بود. وقتی آن تاریخچه را مرور کردم یاد حرف رفیقی افتادم که روزی گفت این مستر بهرام رحمانی یک نفره یا چند نفر؟ پرسیدم چطور؟ گفت روزی چند مطلب می نویسه و هر دو زدیم زیر خنده! تا این که دیروز متوجه شدم که "رمز موفقیت کیلویی نویسی" مستر بهرام رحمانی در چیست.

ایشان(مستر بهرام رحمانی) مثل آب خوردن از روی دست دیگران کپی می کند بی آن که اسم از آن منبع بیاورد یا لینک آن منبع "رژیم" را در نوشته اش ذکر کند، لابد فکر می کند، کی به کیه تاریکیه. از آن هم بدتر این که مستر رحمانی اندر باب روز عشاق می نویسد: "اساساً حکومت اسلامی ایران، از موضع ارتجاعی و جهل و جهالت و خشونت طلبی سران و گردانندگان آن، با هر نوع شادی و جشن و سرور مردم سر خصومت و دشمنی دارند .."

و آنقدر ناشیانه اینکار را می کند که دست خودش را در کپی پیست هایش رو می کند، به خاطر این که روی یکی از کلمات "نوشته دزدیده شده" توسط ایشان کلمه (فلسفه) که در زیر برنگ آبی ست قابل کلیک خوردن بود وقتی کلیک می کردی شما را به سایت های رژیم اسلامی با نام "شبکه رشد" می برد سایتی که اهدافش را بدینگونه شرح میدهد :

هدف کلی: شبکه رشد، هم سو با هدفهای متعالی نظام جمهوری اسلامی ایران و در راستای تحقق هدفهای ارزشی و آموزشی وزارت آموزش و پرورش در جهت تقویت، تکمیل و توسعه برنامه درسی ملی حرکت خواهد کرد.
هدفهای جزئی:

الف: حفظ و تداوم ارزشهای اسلامی و ملی

لا بد مستر بهرام رحمانی که بخش عمده نوشته اش را از سایت رژیمی دزدیده صد ها دفعه این جمله را تکرار کرده "کیه به کیه تاریکیه". آری تاریکی ست مستر رحمانی رژیم اسلامی نوکر امپریالیستهای مرتجع آنچنان دوران تاریکی در ایران به وجود آورده اند که امروز شما می روی از سایت های اسلامی رژیم دزدی می کنه و بعد هم به رژیم لعن و نفرین می کنی که چرا ولنتاین را جشن نمی گیری! واقعاً قسم حضرت عباست را باور باید کرد یا دمب خروست! برای ملاحظه خوانندگان قسمت سرقت شده در نوشته مستر بهرام رحمانی تحت عنوان "روز ولنتاین، روز عشق یا روز عشاق بر عاشقان خجسته باد!" که در سایت گزارشگران درج شده، عیناً در زیر به رنگ زمینه طوسی همراه با لینک سایتی که از آن کپی پیست کرده قرار می دهم.

"جفری چاسر در حدود سال ۱۳۴۰ میلادی در لندن متولد شد. در کودکی مدتی نوکر و غلام همسر لیونل، دوک کلارنس بود. به سال ۱۳۵۹ در نهضت نوینی که در فرانسه پدید آمد، شرکت جست و دستگیر گردید، ولی سال بعد آزاد شد. در سال ۱۳۶۶ با فیلیپا روت ازدواج کرد، سپس به مدت ده سال در ماموریتی سیاسی در ایتالیا، فلاندر (بلژیک امروز)، فرانسه، و لمباردی خدمت کرد و با نویسندگان معروف زمان خود آشنا شد.

در قرن ۱۴ میلادی و با ظهور چند نویسنده مقدمات تغیر و تحولی اساسی و شکوفا شدن جوانه‌هایی از دوران پرشکوه رنسانس در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی فراهم آمد. اما از میان همه نویسندگان این دوران، جفری چاسر (Geoffrey Chaucer) مشهورتر است. او که عنوان پدر ادبیات انگلیسی را از آن خود کرده است به عنوان اولین نویسنده واقع‌گرا و طنزنویس شناخته می‌شود. وی و وایکلیف در نوشتن آثار خود گویش رایج در منطقه مرکزی انگلستان (یعنی لندن و شهرهای مرکزی) را انتخاب کردند. از همین رو است که این گویش خاص و نه گویش‌هایی که در مناطق شمالی و جنوبی انگلستان رایج بود، اولویت پیدا کرد. در سال ۱۳۵۹ میلادی که انگلستان فرانسه را تصرف کرد، جفری چاسر به عنوان اسیر جنگی توسط سپاه فرانسه گرفته شد و پادشاه انگلستان برای آزادی او ۱۶ پوند پرداخت کرد. جفری چاسر در زمانی که در دستگاه قدرت فعال بود چند سفر به فرانسه و ایتالیا داشت. این سفرها در آثار او نقش به سزایی داشت، چرا که در این جریان بود که با آثار دانته آلیگیری، پترارک و بوکاچیو آشنا شد.

چاسر در آثار ابتدائی و منظوم خود سبک فرانسوی و ارجاعات به متون کلاسیک را پیش گرفت. اما اثر برجسته او قصه‌های کنتربری از این قاعده مستثنا بود. او در این اثر توانست الگوئی واقع‌گرا در نویسندگی پیریزی کند که برای قرن‌ها در ادبیات انگلیسی باقی ماند. هر داستان در این مجموعه متناسب با موضوع، زبان و ویژگی‌های کلی گوینده داستان‌ها نگاشته شده است.

قصه‌های کنتربری به زبان شعر نگاشته شده و به عنوان اولین مجموعه داستان کوتاه در ادبیات انگلیسی شناخته می‌شود. داستان از بهار سال ۱۳۸۷ میلادی آغاز می‌شود که گروهی از زائران در سفر ۶۵ مایلی در جهت جنوب

غربی به سمت کنتربری و بارگاه قدیس مقدس، توماس ایکت در حرکت هستند. در این سفر مذهبی، هر کدام از اشخاص برگزیده شده از ناحیه چاسر نماینده قشر خاصی از اجتماع هستند. چاسر از همان آغاز قصد داشت که هر کدام از زائران دو داستان در رفت و دو داستان در برگشت از بارگاه مقدس، تعریف کنند که با این حساب ۱۲۰ داستان نگاشته می‌شد. این در حالی است که چاسر پیش از این که بتواند کتاب خود را به پایان برساند از دنیا رفت و تنها ۲۴ داستان نوشته شده است.

در قسمت پیش درآمد کتاب قصه‌های کنتربری چاسر گردهم آمدن ۳۰ مرد و زن در کاروانسرای تبرد (Tabard) را توصیف می‌کند. هیچ کدام از شخصیت‌ها شبیه به دیگری نیست و تنها وجه اشتراکشان در این است که همگی برای زیارت محل دفن توماس ایکت که دو قرن پیش در کنتربری خاک شده است راهی هستند. در این گردهمایی برای سرگرم کردن خود در مسیر تصمیم گرفته می‌شود که هر یک داستانی تعریف کنند و صاحب کاروانسرا که در جایی با نام هری بیلی خوانده شده است به‌عنوان داور اصلی انتخاب شود که در آخر به کسی که جذابترین داستان را گفت غذائی رایگان هدیه کند. پیش درآمد اصلی کتاب که در ۸۶۰ مصرع نگاشته شده است از جهت توصیف واضحی که از هر یک از شخصیت‌ها ارائه می‌دهد مشهور است. در ادامه اشاره‌ای به قسمتی از این توصیفات شده است:

قصه‌های کنتربری تا اندازه زیادی تحت تاثیر دکامرون بوکاچیو نگاشته شده است. بوکاچیو در دکامرون ۱۰ مرد و زنی را توصیف می‌کند که هر دو متعلق به طبقه اشرافی هستند این در حالی است که انتخاب چاسر مردمی‌تر است. هر کدام از شخصیت‌هایی که چاسر با ظرافت انتخاب کرده است گواهی وضعیت بریتانیای آن زمان است. بر خلاف دکامرون که افرادی را توصیف می‌کند که از طاعون در حال فرار هستند، چاسر مردمی را وصف می‌کند که با میل و اراده راه سفری طولانی را در پیش گرفته‌اند. در دکامرون به‌طور حتم نسبت به روحانیون جامعه آن زمان ایتالیا توسط ده تن قصه گو نقدهائی وارد شده است...

چاوسر داستان‌های کاتربوری را با چنان مهارتی سرود و در طی نیم قرن سیر و سیاحت و سیر آفاق و انفس قهرمانان متعدد داستان از طبقات مختلف را چنان زیبا و مناسب در منظومه خویش جا داده است که آدمی دردها، خنده‌ها و ناکامی‌های آن‌ها را حس می‌کند. در میان قهرمانان شهسوار، پسر شهسوار، مباشر، راهبه، چند کشیش، راهب عاشق پیشه، دانشجوی کشتی‌ران، مسافرخانه‌چی و ... را در این منظومه به وصف و سخن درآورده و روح و جان واقعی در داستان دمیده است.

چاوسر مفاصد و معایب جامعه را خوب درک کرده و در مجموع ۵۰ داستانی که وعده داده، فقط ۳۲ داستان را سروده است اقتباس‌ها از منابع مختلف دیده می‌شود اما از طبع توانای شاعر نیز مطالب بکر پدید آمده است. در خفایای روانی شخصیت‌های داستان کاوش کرده و به زبان هر یک به مناسبت حال آن‌ها سخن گفته است. از خطاها و حقارت‌های آدمی خوب آگاهی دارد و نقائص بشری را خوب می‌شناسد و هجو عمیق از قبايح و آلودگی‌ها می‌کند. از خرافه‌پرستی عهد خویش دور بود.

وی انسانی با نشاط و پر قدرت و در نویسندگی پرشور و رسام و مصدر زندگی مردم انگلستان قرن چهاردهم بود. وی از جوانی از مطالعه کتاب غفلت نکرد، سفرهای داخل و خارج انگلستان وی را شاعری توانا کرد مخصوصا ادبیات ایتالیایی در وی تاثیر گذاشت، روزگارش با اعانات و کارهای دولتی که می‌کرد می‌گذشت و چون مرد او را بواسطه این‌که مستاجر املاک دیر وست‌مینستر بود در این گورستان به خاک سپردند نه به‌خاطر شاعری! چوسر مطالعه را خیلی دوست می‌داشت و بعد از اتمام هر شغل موظف، خود را به کتابهایش می‌رسانید و غرق در مطالعه می‌شد.

کتاب دوشس، انجمن ماکیان، افسانه‌های زنان خوب، خانه شهوت را به نظم درآورد تسلی بخش **فلسفه** اثر
بئوتیوس Boethius را ترجمه کرد. در سرودن منظومه تروپلوس و کریسید گرچه طولانی و شاید خسته‌کننده است، ولی
بزرگترین شعر روانی انگلستان است که از آثار کاجیو استفاده کرد و بر ۲۷۳۰ بیتی که از بوکاجیو گرفت ۵۶۹۶ بیت
نیز افزود.

کریسید برای رسیدن به معشوق می‌بایستی ۶۰۰۰ بیت بخواند تا به معشوق برسد و چون لحظه‌ای از وصال گذشت
چاوسر بساط عاشق و معشوق را بر هم می‌ریزد و جدائی میان آن در هم می‌ریزد و جدائی میان آن دو می‌افکند موضوع
این منظومه از یونان باستان اقتباس شده و قهرمان چاوسر چون تروپلوس بدست آخیلس کشته می‌شود با دعای
زاهدانه‌ای درباره آب، ابن و روح القدس داستان را پایان می‌دهد.

لینک شبکه رشد

<http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-print.php?page=>

"بالاخره عمو سام گاه‌گذاری نگاهی به نوشته‌های مخالفینی که از روی دست رژیم کپی میکنند ممکن است ببیند از پس
کی به کیه تاریکیه روز عشاق را هم به نافع "آزادی" بخیه بزیم ما که کیلویی می نویسیم اینهم روش کی به کیه..."

هفدهم فوریه دو هزار و هیجده

۱۳۹۶ بهمن [دلو] ۲۸ - شنبه